



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ حدود و تعزیرات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: محمد جواد شمس

تاریخ: ۱۳۹۷/۶/۱۰

لطفاً در خصوص حدّ دزدی توضیح دهید. اینکه قرآن می‌فرماید دست دزد باید قطع شود از کجا باید متوجه شد که دقیقاً از کجای دست باید قطع شود؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۷/۶/۱۵

شیعه معتقد است که دست دزد از بیخ چهار انگشت قطع می‌شود و سایر مذاهب به استثنای خوارج معتقدند که آن از مچ قطع می‌شود و خوارج معتقدند که آن از کتف قطع می‌شود؛ چراکه خداوند با اطلاق فرموده است: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱؛ «و مرد دزد و زن دزد دستانشان را ببرید به عنوان جزایی برای آنچه کسب کردند و عقوبتی از جانب خداوند و خداوند عزّتمندی حکیم است»، در حالی که این فرمان مجمل است و شامل هر مقداری از دستان آن دو می‌شود؛ زیرا هر مقداری از دستان آن دو - هر چند اندک - بریده شود، می‌توان گفت که دستان آن دو بریده شده؛ چنانکه خداوند درباره‌ی زنان مصر فرموده است: «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ»^۲؛ «پس چون او (یعنی یوسف) را دیدند او را بزرگ داشتند و دستان خود را بریدند»، در حالی که مسلماً مقداری اندک از دستان خود را بریدند، نه همه‌ی دستان خود تا مچ یا کتف را و با این وصف، تعیین مقدار بریدن دست بر عهده‌ی خلیفه‌ی خداوند در زمین است که خطاب به او فرموده است: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۳؛ «و ذکر را بر تو نازل کردیم تا برای مردم چیزی که برایشان نازل شده است را تبیین کنی و باشد که آنان تفکر کنند».

۱. المائدة / ۳۸

۲. یوسف / ۳۱

۳. النحل / ۴۴

آری، «ید» در لغت بر کف یعنی سر انگشتان تا مچ دست اطلاق می‌شود^۱ و از این رو، هرگاه مطلق به کار رود، مراد از آن همین است؛ چنانکه خداوند در آیه‌ی تیمم فرموده است: **﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ﴾**^۲؛ «پس خاکی پاک را قصد کنید، پس بر روی‌هاتان و دست‌هاتان بکشید»، در حالی که مراد از آن -به شهادت پیامبر و اهل بیت او- کشیدن بر سر انگشتان تا مچ دست‌ها است؛ مگر اینکه قرینه‌ای در سخن وجود داشته باشد؛ مانند سخن خداوند در آیه‌ی وضو که فرموده است: **﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ﴾**^۳؛ «پس روی‌هاتان و دست‌هاتان تا آرنج‌ها را بشوید»، بلکه «ید» در کتاب خداوند بر خصوص انگشتان نیز اطلاق شده؛ چنانکه فرموده است: **﴿قَوْلٍ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾**^۴؛ «پس وای بر کسانی که کتاب را با دستان خود می‌نویسند و سپس می‌گویند که این از نزد خداوند است»، در حالی که مسلماً آن را با انگشتان خود می‌نویسند، نه با همه‌ی کف دست خود و فرموده است: **﴿جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ﴾**^۵؛ «پیامبران‌شان با دلایل روشن به نزدشان آمدند، پس دستان‌شان را در دهان‌هاشان بردند»، در حالی که مسلماً انگشتان خود را در دهان‌شان بردند، نه همه‌ی کف دست خود را و فرموده است: **﴿مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾**^۶؛ «زنانی که دستان‌شان را بریدند چه شدند؟»، در حالی که مسلماً انگشتان‌شان را بریدند، نه همه‌ی کف دست‌شان را. بنابراین، بریدن انگشتان نیز در کتاب خداوند بریدن دست محسوب می‌شود و با این وصف، برای خلیفه‌ی خداوند در زمین جایز است که به آن بسنده کند؛ چنانکه از علی بن ابی طالب روایت شده که به آن بسنده کرده است^۷، بلکه بسنده کردن به آن اولی است؛ چراکه از یک سو قاعده، حرمت بریدن دست مسلمان جز به مقدار واجب است و از سوی دیگر **اصل** بر عدم وجوب مقدار زائد است تا هنگامی که دلیلی قطعی بر وجوب آن برسد؛ خصوصاً با توجه به اینکه بریدن کف دست، ادای فرائضی مانند وضو و نماز را مشکل می‌سازد، تا حدی که می‌توان آن را سبب عسر و حرج شدید دانست، در حالی که خداوند فرموده است: **﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾**^۸؛ «خداوند برایتان آسانی می‌خواهد و برایتان سختی نمی‌خواهد» و فرموده است: **﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾**^۹؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد».

۱. لسان العرب لابن منظور، ج ۱۵، ص ۴۱۹

۲. النساء / ۴۳

۳. المائدة / ۶

۴. البقرة / ۷۹

۵. ابراهيم / ۹

۶. يوسف / ۵۰

۷. بنگرید به: کتاب الأم للشافعی، ج ۷، ص ۱۹۲؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۱۰، ص ۱۸۵؛ تأویل مختلف الحديث لابن قتیبة، ص ۱۴۸؛ المحلی بالآثار لابن حزم، ج ۱۱، ص ۱۶۱.

۸. البقرة / ۱۸۵

۹. المائدة / ۶

حاصل آنکه خلیفه‌ی خداوند در زمین می‌تواند هر مقدار از مچ تا انگشتان دست که مصلحت می‌بیند را ببرد؛ چراکه در هر صورت دست را بریده و امر خداوند را امتثال کرده و این راز اختلاف روایات از علی بن ابی طالب است^۱، ولی بهتر است که به بریدن چهار انگشت بسنده کند و کف دست و انگشت شصت را باقی گذارد، تا ادای فرائضی مانند وضو و نماز برای سارق بیش از حد دشوار نشود و این روایت مشهور از اهل بیت است^۲.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس با حکم‌های و دستورها



۱. بنگرید به: فتح الباری لابن حجر، ج ۱۲، ص ۸۷؛ عمدة القاری للعینی، ج ۲۳، ص ۲۷۸.
۲. بنگرید به: النوادر للأشعري القمي، ص ۱۵۱؛ الکافي للکليني، ج ۷، ص ۲۲۲ و ۲۶۶؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۶۵؛ خصائص الأئمة للشریف الرضی، ص ۸۵؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۱۰، ص ۱۰۲.

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.